

اخلاق حرفه‌ای پژوهی، مطالعه موردی سیره علمی علامه طباطبایی (ره)

فاطمه شاه محمدی^۱

دانش آموخته سطح ۳، فقه و اصول، موسسه آموزش عالی حوزوی الزهرا (س) تبریز، ایران

سیدضیاءالدین علیانسانب^۲

استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۴/۱۳)

چکیده

پژوهش، فرایندی منظم است که منجر به حل مسئله یا مشکلی می‌گردد. هر پژوهشگر متعهدی باید در حرفه خویش، حریمی را رعایت کند. پس از شناخت این حریم‌ها باید بررسی کرد که افراد بسیار متعهد و فرهیخته‌ای همچون علامه طباطبایی این حریم‌ها را چگونه در سیره علمی خویش رعایت کرده‌اند. نوشتار پیش‌رو، با استناد به منابع مکتوب و به روش کتابخانه‌ای و توصیفی و تحلیلی درصدد پاسخ به این سوال است که علامه سید محمدحسین طباطبایی (ره)، اخلاق حرفه‌ای در پژوهش را چگونه سیره علمی خویش رعایت می‌کردند؟ بر این اساس پس از تعاریف واژگان کلیدی، اهمیت رعایت اخلاق پژوهشی، مصادیق اخلاق پژوهشی رعایت شده در سیره علامه طباطبایی به صورت مستند از زبان خود علامه، شاگردان، علما و بزرگان تبیین شده است از جمله: تحقیق به نیت الهی و معنوی، حقیقت‌جویی با پرهیز از پیش‌داوری و قضاوت عجولانه، احترام به استاد، داشتن روحیه قدرشناسی از پیشینیان، رجوع به منابع معتبر، تواضع علمی و عدم فخرفروشی، ترویج علم و نویسندگی و پاسخگویی به نیازهای روز، عدم سرقت محتوایی، انصاف علمی، نقادی و نقدپذیری، پشتکار، صبر، اهمیت به وقت و عمر خود و دیگران، جامعیت و علم سرشار پژوهشگر، برهانی و مستدل نوشتن، شجاعت و جرأت علمی.

واژگان کلیدی: علامه طباطبایی (ره)، اخلاق، پژوهش، اخلاق پژوهشی.

^۱ E-mail: research491os@yahoo.com (نویسنده مسئول)

^۲ E-mail: olyanasabz@mail.tbzmed.ac.ir (نویسنده اول)

مقدمه

با بروز بحران‌های اخلاقی در جوامع صنعتی، از دغدغه‌های پژوهشگران متعهد و اخلاق‌مدار، انجام پژوهش بر پایه اخلاق است. «اخلاق»، صفتی پایدار و ملکه‌ای نفسانی است که باعث صدور افعال انسان بدون فکر و تأمل می‌شود. اگر از ملکه نفسانی، کارهای پسندیده صادر شود، اخلاق خوب و فضیلت است و اگر افعال بد و زشت صادر شود، اخلاق بد و رذیلت است. علم اخلاق خوبی و بدیها را شناسانده و راههای کسب خوبیها و دوری از بدیها را می‌آموزد و اخلاق کاربردی شامل اخلاق حرفه‌ای هم هست که تأمل در اخلاق حرفه خاص می‌نماید. مانند تأمل در اخلاق پژوهش و به مباحث اخلاقی در پژوهش می‌پردازد. پژوهش حاضر به این سوال پاسخ می‌دهد که علامه طباطبایی در سیره علمی خویش چگونه اخلاق حرفه‌ای پژوهی را رعایت می‌کرد؟ تا جایی که محقق بررسی نموده است تحقیق جامع و منسجم در خصوص سیره علمی و اخلاق حرفه‌ای در پژوهش علامه (ره) یافت نشد. لیکن در کتب روش تحقیق به اخلاق پژوهش و در کتب مربوط به سیره علامه به طور پراکنده به مواردی از نحوه رعایت این خلقهای پژوهشی توسط علامه اشاراتی شده است. بنابراین، این اثر کاربردی و مورد نیاز اکثر پژوهشگران است؛ چون متخلقی نبودن به اخلاق حسنه، فرد را به انتحال و انحراف کشانده و اثر را فاقد ارزش و اعتبار می‌کند. این تحقیق، به روش کتابخانه‌ای و با ارجاع به کتاب‌ها و منابع متعدد انجام شده است. منطق حاکم نوشتار حاضر این است که، ابتدا ضرورت رعایت سیزده عنوان مهم در اخلاق پژوهشی تبیین شده و سپس نمونه‌ها و مصادیق عینی از رعایت آن‌ها در سیره علمی علامه مورد بررسی واقع شده است. که هر یک می‌تواند سوال فرعی اثر باشد. عناوینی که باید رعایت شوند و این سؤالات گرفته می‌شود، عبارتند از:

- ۱- تحقیق به نیت الهی و معنوی؛ ۲- حقیقت‌جویی به صورت بی‌طرفانه و پرهیز از پیشداوری و قضاوت عجولانه؛ ۳- احترام به استاد، پیشینیان و داشتن روحیه قدرشناسی؛ ۴- رجوع به منابع معتبر؛ ۵- تواضع و اجتناب از فخر فروشی؛ ۶- ترویج علم و نویسندگی و پاسخگویی به نیازهای

روز؛ ۷- اجتناب از سرقت محتوایی و انتحال؛ ۸- انصاف علمی، نقادی و نقدپذیری؛ ۹- پشتکار، خستگی ناپذیری، صبر و استقامت؛ ۱۰- اهمیت به وقت و عمر خود و دیگران؛ ۱۱- جامعیت و علم سرشار پژوهشگر؛ ۱۲- برهانی و مستدل نوشتن؛ ۱۳- شجاعت و جرات داشتن.

تعاریف

اخلاق، جمع «خلق» است. خُلق انسان، هیئت و قیافه نفسانی انسان است که به آسانی و بدون تفکر باعث صدور افعال او می‌شود. اگر افعالی که از این هیئت و قیافه نفسانی صادر می‌شود شرعا و عقلا پسندیده باشد، این هیئت را خلق نیکو می‌گویند و اگر زشت و ناپسند باشد، خلق بد نامیده می‌شود.^۱ «شناخت زمینه‌های ظهور هر یک از خصلت‌های مثبت و منفی و رابطه آنها با یکدیگر و روش‌های مربوط به تقویت خلق و خوی نیک و زدودن خصلت‌های ناپسند، در مجموع دانشی را پدید آورده است که به آن «علم اخلاق» گویند.^۲ علم اخلاق نیز دو قسم می‌شود: یکی در کسب فضایل و دیگری در دفع رذایل.^۳

اخلاق حرفه‌ای، «شاخه‌ای از اخلاق کاربردی است که به مباحث اخلاقی در حرفه می‌پردازد. صاحبان حرفه، از دانش اخلاق دو توقع دارند: بیان نظام‌مند مسئولیت‌های اخلاقی در حرفه و تشخیص دقیق و حل اثربخش مسائل اخلاق حرفه. ... اخلاق حرفه‌ای برحسب تنوع حرف، دامنه بسیار وسیعی دارد: اخلاق پزشکی، اخلاق آموزش و پرورش، اخلاق پژوهش و ...»^۴ از ابعاد زندگی ما، زندگی شغلی ماست. هر کسی در زندگی شغلی‌اش باید حریمی را رعایت و حفظ کند و این امر دغدغه افراد اخلاقی است. ما در قبال کسانی که با آنان مواجه می‌شویم مسئولیت داریم. تنوع و پیچیدگی شغلی در عصر ما شاخه‌های گوناگونی از اخلاق شغلی را به وجود آورده که

۱. ر.ک: شبر، ۱۳۸۰: ۳۲-۳۱؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶۷: ۳۷۲؛ اسماعیلی یزدی، ۱۳۹۰: ۱۹؛ نراقی، ج ۱، ۱۳۷۰: ۶۰.

۲. محدثی، ۱۳۹۰: ۱۶.

۳. ر.ک: نراقی، ۱۳۸۷: ۶۱.

۴. فرامرز قراملکی، ۱۳۸۷: ۱۷۵.

اخلاق پژوهشی یکی از آنهاست.^۵ محقق برای رعایت اخلاق حرفه‌ای باید اصولی را رعایت کند که ما درصددیم پس از بررسی آنها، به این بحث پردازیم که علامه طباطبایی (ره) چگونه این اصول و اخلاق پژوهشی را رعایت می‌کرد.

اخلاق پژوهشی رعایت شده در سیره علمی علامه (ره)

برخی اخلاق حرفه‌ای پژوهی که در سیره علمی علامه طباطبایی به صورت موردی می‌توان یافت به شرح زیر است:

۱. تحقیق به نیت الهی و معنوی

پژوهشگر باید با نیتی الهی توأم با اخلاص، در جهت خدمت به خلق خدا، دین خدا و سعادت واقعی و حقیقی بشر گام بردارد. داشتن انگیزه الهی و پشت گرمی به عنایات الهی، تأثیر بسزا و فراوانی در انجام پژوهشهای بزرگ دارد.^۶ آخرت باید نهایت مقصد محقق باشد. علی(ع): «لا عمل لمن لا نية له»؛ کسی را که نیت [درست] نداشته باشد، عمل [درستی] نخواهد داشت.^۷ و یکی از ارکان درستی عمل هر کس، منوط به درستی نیت است. محقق باید به فرمایش گهربار پیامبر(ص) معتقد باشد که «المومن اذا مات و ترک ورقه واحده علیها علم، تکون تلك الورقة يوم القيامة سترأ فی مابینه و بین النار و اعطاه الله تبارک و تعالی بكل حرف علیها، مدینه اوسع من الدنيا سبع مرات»^۸ اگر انسان مومنی پس از مرگش، برگه‌هایی به یادگار گذارد که در آن دانستنی‌هایی نگاشته شده، روز رستاخیز از آتش دوزخ نجات می‌یابد و خدای والا برای هر حرف آن، شهری هفت برابر بزرگتر از دنیا به او عطا می‌کند. استاد مطهری (ره) فرمود: «یک نمونه از مردان بزرگ و با عظمت، علامه طباطبایی است. این مرد بسیار بسیار بزرگ و ارزنده مردی است که صد سال دیگر، تازه باید بنشینند و افکار او را تجزیه و تحلیل کنند و به ارزش او پی ببرند. این مرد واقعا یکی از

۵. رک: همان: ۱۵۱-۱۵۰

۶. رک: خالقی، ۱۳۹۰: ۴۶ به نقل از شریفی، ۱۳۸۴: ۱۰۵-۱۰۴

۷. محمدی ری شهری، ۱۴۰۴: ج ۱۲: ۵۰۴

۸. رک: مجید حیدری فر، ۱۳۹۲: ۲۵؛ شیخ صدوق، ۱۳۶۲، ج ۱: ۳۷؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۲: ۱۴۴

خدمتگزاران بسیار بسیار بزرگ اسلام است. او به درستی مجسمه تقوا و معنویت است. در تهذیب نفس و تقوا مقامات بسیار عالی طی کرده است. من سالیان دراز از فیض محضر پربرکت این مرد بزرگ بهره‌مند بوده‌ام. تجلیل از امثال این مرد بزرگ تجلیل از علم است، تجلیل از اجتماع است ... نه تنها در دنیای اسلام در دنیای غیر اسلام، در اروپا و آمریکا هم مستشرقین که با معارف اسلامی آشنا هستند، ایشان را به عنوان یک متفکر بزرگ می‌شناسند.^۹ علامه(ره) معتقد بود: در حوزه علمی قم افرادی بودند که فقه و اصول را تدریس کنند ولی استاد فلسفه و تفسیر به مقدار کافی نبود و در آن زمان حوزه علمی قم و جامعه اسلامی نیاز شدید به فلسفه و تفسیر داشت. اشتغال بر این علوم برای اسلام نافع‌تر بود. از این رو، علامه(ره) با اخلاص و فداکاری تدریس آنها را انتخاب کرد و در این راه انصافاً استقامت ورزید.^{۱۰} وی از دانشمندان مخلص زمان بود. ایشان هیچ‌گاه اجازه نمی‌داد، کسی در حضورش از او تعریف کند؛ هر چند حقیقت باشد و مبالغه نباشد. یکی از علمای حوزه علمی در این باره نقل می‌کند: «از تفسیر المیزان در حضور علامه طباطبائی تعریف کردم. ایشان فرمود، تعریف نکن که خوشم می‌آید و ممکن است خلوص و قصد قربتم از بین برود.»^{۱۱}

۲. حقیقت جویی با پرهیز از پشداوری و قضاوت عجولانه

«حقیقت» در لغت فارسی به معنی «راستی، درستی، اصل هر چیز، واقع امر، کلمه‌ای که در معنی اصلی خود استعمال شود.»^{۱۲} همچنین حقیقت به معنی «ب» و خلاصه و کنه هر چیز است.^{۱۳}

«حقیقه الشیء: منتهاه و اصله»(معلوف، ۱۳۸۰: ۱۴۴). حس حقیقت جویی حسی فطری و ذاتی است که در نهاد همه انسان‌ها وجود دارد. علی(ع) توصیه به حقیقت جویی کرده و فرمودند: «أُطَلِّبُ

۹. عباس داداش زاده، ۱۳۹۳: ۲۱۲، به نقل از علامه طباطبائی: ۳۸

۱۰. ر.ک: جمعی از نویسندگان، ۱۳۶۱: ۱۲۷-۱۲۶

۱۱. اردشیری لاجیمی، ۱۳۸۸: ۷۶-۷۷، به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۴/۷/۲۳

۱۲. معین، ۱۳۸۷: ۴۶۶؛ انیس و دیگران، ج ۱، ۱۳۸۶: ۳۹۵

۱۳. ر.ک: انیس و دیگران، ج ۱، ۱۳۸۶: ۳۹۵

تجدد؛ بجو تا بیابی»^{۱۴} تحقیق و پژوهش به معنی حقیقت‌طلبی در انسان، ذاتی است و ریشه فطری دارد و از کمال خواهی وی نشأت می‌گیرد. هر انسانی در درونش عطشی نسبت به درک حقایق و آگاهی یافتن از اسرار هستی در خود حس می‌کند. و از جمله موارد حقیقت‌جویی، پرسشهای گوناگون کودکان از بزرگترهاست. که از سنین خیلی پایین درباره هر چیزی سوال می‌کنند. حقیقت آثار مثبتی دارد. مانند: رشد، شکوفایی و توسعه علمی در رشته‌های متعدد، گسترش و غنای فقهی، فلسفی و علمی مانند اختراعات، اکتشافات و ...^{۱۵} محقق باید چشمی واقع‌نگر، حقیقت‌یاب و دلی‌حق‌پذیر داشته باشد تا به گوهر حقیقت دست یابد. او باید به طور بی‌طرفانه و بدون پیش‌داوری به یافتن حقیقت مبادرت کند و نتیجه مستدل تحقیق را بپذیرد هر چند نتیجه برخلاف میل درونی یا پردازشهای پیشین محقق یا افکار عمومی باشد. وی نباید به پیش‌داوری دست زند تا دچار تحجر نشده و به بیراهه نرود.^{۱۶} عشق ورزی ناروا به چیزی، فرد را به حقیقت نمی‌رساند. علی (ع) فرمودند: «مَنْ عَشِقَ شَيْئًا عَشِيَ بَصْرَهُ وَ امْرَضَ قَلْبَهُ فَهُوَ يَنْظُرُ بَعَيْنٍ غَيْرِ صَاحِقَةٍ؛ هر کس به چیزی عشق ناروا ورزد، نابینایش می‌کند و قلبش را بیمار کرده، با چشمی بیمار می‌نگرد».^{۱۷} عشق ناروا به اعتقادات و باورهای درونی، فرد را متعصب نموده و از رسیدن به حقیقت باز می‌دارد. حقیقت‌جویی وظیفه محقق است به ارسطو اعتراض شد که چرا حرمت استادش افلاطون را نگه نداشته و به نقد دیدگاههای او می‌پردازد؟ وی پاسخ داد: «افلاطون را دوست دارم، ولی به حقیقت بیش از افلاطون علاقه دارم».^{۱۸} علامه، تشیع را به عنوان اصلی در اسلام معرفی نموده و بدون آنکه قصد ایجاد تفرقه یا شکاف بین شیعه و تسنن را داشته باشد، با دفاع از اصالت شیعه، گفت‌وگوی بین شیعه و سنی را سهل‌تر کرده است. زیرا تقریب حقیقی، فقط با حفظ اصالت

۱۴. تمیمی آمدی، حدیث ۱۰۱۲۴، ۱۳۶۶: ۴۴۳

۱۵. ر.ک: مهدی زاده، ۱۳۸۵: ۲۱-۲۲

۱۶. ر.ک: حیدری فر، ۱۳۹۲: ۲۳-۲۲؛ جعفر نکونام، ۱۳۹۰: ۲۸-۲۹

۱۷. دشتی، خطبه ۱۰۹، ۱۳۷۹: ۲۰۴-۲۰۵

۱۸. خالقی، ۱۳۹۰: ۴۱، به نقل از شریفی، ۱۳۸۴: ۱۱۰-۱۰۹

بین این دو مذهب ممکن خواهد بود.^{۱۹} علامه(ره) در کتاب شیعه در اسلام، به علت اجتناب از تعصبات مرسوم و سنتی، مقام برجسته‌ای بین بزرگان و مولفانی که در باره شیعه و تشیع آثاری دارند، کسب نمود. « بدون تردید تنها با چنین روش صحیح و منطقی و چنین بررسی های منصفانه تاریخی و علمی است که می‌توان روشنگر اذهان عمومی شد و حقیقت شیعه و تشیع را در سطح جهان معرفی نمود.»^{۲۰} این اثر علامه(ره) «تحقیقی جدید با هدفی تازه است. منظور آن شناساندن شیعه و جوانب گوناگون آن به افرادی است که با عالم فکری اسلامی و شیعی آشنایی ندارند و مایلند از دیدگاهی کلی، نظری جامع به این بخش مهم از اسلام بیفکنند. مولف محترم این هدف را بدون اهانت به اهل سنت و جماعت و در عین حال دفاع از اصالت شیعه و بیان علت پیدایش آن دنبال کرده و کوشیده که نشان دهند تشیع جنبه‌ای کاملاً اصیل از اسلام بدون این کوچک‌ترین مقصودی در ایجاد تفرقه یا شکاف بین تشیع و تسنن در نظر باشد. برعکس با دفاع از اصالت شیعه گفت‌وگوی بین دو بخش اصلی اسلام را آسان‌تر ساخته‌اند.^{۲۱} از دیگر مصادیق حقیقت‌جویی علامه(ره) این است که شاگرد علامه(ره) آقای موسوی همدانی فرمود: وقتی خدمت علامه(ره) اسفار می‌خواندیم. فرمود: فلسفه یعنی تفکر آزاد تفکری که مقید به هیچ قیدی نیست. حتی قید دین. از این رو، وقتی می‌خواهید فلسفه بخوانید باید دین و ایمان خود را دم درب گذاشته و وقتی برای خواندن فلسفه می‌آیید، آزاد از دین و بی‌دینی بحث کنید و بحث که تمام شد، متدین باشید و آراء دینی و عقاید خود را داشته باشید.^{۲۲} علامه(ره) حقیقت‌جو بود و هر وقت حقیقت را نمی‌دانست، بدین امر اذعان می‌کرد. استاد محمدتقی مصباح یزدی، از شاگردان علامه در خصوص تواضع ایشان چنین آورده است که: «در طول سی سال که افتخار درک محضر ایشان را داشتم هرگز کلمه "من" از ایشان نشنیدم. در عوض، عبارت «نمی‌دانم» را بارها در پاسخ سوالات از ایشان شنیده‌ام، همان عبارتی که افراد کم‌مایه از گفتن آن عار دارند، ولی این دریای پرتلاطم علم

۱۹. ر.ک: اردشیری لاجیمی، ۱۳۸۸: ۱۷

۲۰. طباطبائی، ۱۳۸۸: ۱۲-۱۱

۲۱. ر.ک: طباطبائی، ۱۳۸۸: ۱۷-۱۶

۲۲. ر.ک: داداش‌زاده، ۱۳۹۳: ۲۰۳، به نقل از یادها و یادگارها، ص ۷۴

و حکمت، از فرط تواضع و فروتنی به آسانی می‌گفت و جالب این است که به دنبال آن، پاسخ سوال را به صورت احتمال و یا با عبارت "به نظر می‌رسد" بیان می‌کرد.^{۲۳} علامه در پایان تفسیر یک آیه با جمله «و الله اعلم» گذشتند که از آن فهمیده می‌شود، مطلب روشن نشده است.^{۲۴} گاه نیز فرموده‌اند، معنی این کلمه را نفهمیدم. مثلاً دابة الارض.^{۲۵}

۳. احترام به استاد، پیشینیان و داشتن روحیه قدرشناسی

محقق باید از محصول و نتایج زحمات محققان قبلی استفاده کند تا کاروان دانش را پیش ببرد و نیز او باید از محققان قبلی به نیکی یاد کرده و زحمات آنان را ارج نهد و حق افرادی را که در نوشته از اطلاعات و علم آنان بهره گرفته است محفوظ دارد و اگر افراد یا سازمانهایی از نظر مالی یا معنوی، در پیشبرد کار تحقیق موثر بودند، باید از ایشان قدردانی کند.^{۲۶} پژوهشگران در هر دوره‌ای با بهره‌گیری از یافته‌ها و پژوهشهای پیشینیان سعی دارند تا کاروان دانش را چند قدمی جلوتر برده و افق تازه‌ای را روی بشریت باز کنند. نیوتن درباره استفاده از پژوهشهای دیگر جمله مشهوری دارد که «اگر توانسته‌ام [افق را] اندکی دورتر از دیگران بنگرم، بدان سبب است که بر شانه‌های غولان ایستاده‌ام»^{۲۷} محقق باید همیشه قدردان اساتید خویش باشد و حق ایشان را ادا نماید. از این روی، علامه (ره) در مورد شخصیت مرحوم قاضی (ره) که استاد بزرگوارشان بودند، فرمودند: «ماهر چه در این مورد داریم از مرحوم قاضی داریم چه آنچه را که در حیاتش از او تعلیم گرفتیم و از محضرش استفاده کردیم و چه طریقی که خودمان داریم و از مرحوم قاضی

۲۳. مختاری، ۱۳۷۵: ۲۹۷؛ حزب جمهوری اسلامی، واحد تبلیغات، ۱۳۶۱: ۶۱

۲۴. تفسیر سوره بقره آیه ۲۱۹، «و یسئلونک ماذا ینفقون قل العفو... و الله العالم»، ر.ک: شمس، ۱۳۸۷: ۳۶۴؛ طباطبایی، ۱۳۶۲،

ج ۲۰: ۲۰۵

۲۵. ر.ک: شمس، ۱۳۸۷: ۳۶۴

۲۶. ر.ک: مهدی زاده، ۱۳۸۵: ۳۳-۳۲

۲۷. شریفی، ۱۳۹۴: ۶۶، به نقل از آریان پور، پژوهش: ۲۶-۲۵

گرفته‌ایم.»^{۲۸} علامه (ره) در المیزان آن را به صورت قرآن به قرآن تفسیر کردند و فرمودند من این روش را از استادمان مرحوم قاضی فراگرفتم.^{۲۹}

۴. رجوع به منابع معتبر

ارزش و اعتبار نوشته به منابعی است که از آنها در نگارش اثر استفاده کرده است. در پژوهش‌های اصیل و معتبر محقق به منابع دست اول رجوع می‌کند و نه به شرح، نقل، اخذ و اقتباس. پژوهشگر موفق باید خود را به سرچشمه و خاستگاه اصلی علم و منابع اولیه آن برساند و از استناد به منابع کم ارزش دست دوم و سوم بپرهیزد.^{۳۰} «علامه (ره) در سامان دادن این اثر ثمین [المیزان] گذشته از قرآن که منبع وی در تفسیر بوده و به بیش از صدو هشتاد منبع تفسیری، روایی، لغوی، تاریخی، علمی، اجتماعی، فرهنگی و ... مراجعه کرده که برخی از این منابع دارای مجلدات متعددی است.^{۳۱} حتی از کتب مقدس مذاهب دیگر از قبیل انجیل، اوستا، تورات، السوابعی (از کتب ارتدکس روم) و اعمال الرسل و رسائل پولس جهت مقایسه آنها با قرآن کریم و نقد آنها استفاده کرده است.»^{۳۲} در کتاب «الطباطبایی و منهجه فی تفسیره المیزان» نوشته علی اوسی در مورد مصادری که علامه در المیزان به آنها اعتماد و ارجاع داده، مصادر تفسیر و کتب لغت و مصادر حدیث و مصادر متنوع تاریخی و جرائد و مجلات و ... اشاره شده است. علامه (ره) در راستای حقیقت‌یابی به منابع متعددی مراجعه فرمودند. ایشان از ۵ مجله و روزنامه گاهی در المیزان از این مجلات مطالبی نقل فرمودند. ۴ یا ۵ دایره المعارف که علامه (ره) بر آنها عنایت داشته است. ۲۲ کتاب تاریخی به عنوان مصدر بحثهای تاریخی المیزان معرفی شده است. چند کتاب از کتب

۲۸. لقمانی، ۱۳۷۴: ۲۷

۲۹. ر.ک: فانی تبریزی، ۱۳۹۰: ۵۳۷

۳۰. فتوحی، ۱۳۸۵: ۳۲

۳۱. شمس، ۱۳۸۷: ۴۸۵-۴۸۴، به نقل از مجله حوزه شماره مسلسل، شماره ۲۱، مرداد و شهریور ۱۳۶۶، مقاله شناسایی برخی از تفاسیر شیعه، ص ۵۹، مندرج در «جرعه های جانبخش»: ۲۵۱

۳۲. همان: ۴۸۵-۴۸۴

مقدسه یهود و نصاری که علامه (ره) برای مقایسه عقاید و اقوال به آنها نظر داشته است. از حیث مطالب تفسیری، علامه (ره) نام ۲۲ تفسیر را می‌برد؛ یعنی هر جا علامه (ره) اسم تفسیری را برده آن را به عنوان مصدر یادداشت کرده و سپس همه را یکجا یاد کرده است. اما لازم بود علاوه بر این، جاهایی که مرحوم علامه با «قیل»، یک قولی را بیان نمایند، صاحب آن «قیل» مشخص شود که ایشان این کار را نکرده است.^{۳۳} کتب و تفاسیری که در کتاب «الطباطبایی و منهجه فی تفسیره المیزان» نام برده شده عبارتند از: «مفردات راغب، فخر رازی، مجمع البیان، ابن عباس، کشف، طبری، بیضاوی، ابی‌السعود، الدر المنثور، روح المعانی، طنطاوی، المنار، البرهان، صافی، نعمانی، قمی، نورالثقلین، برخی از آیات الاحکامها... در لغت هم می‌گویند به این کتب مراجعه کرده است: «صحاح اللغة، مصباح المنیر، قاموس اللغة، لسان العرب، المزهر فی علوم اللغة»^{۳۴}

۵. تواضع و فخر فروشی نکردن

پژوهشگر باید تواضع علمی داشته باشد و از فضل فروشی اجتناب نماید و از عبارات و جملاتی که حمل بر خودستایی می‌شود، خودداری کند.^{۳۵} وی نباید دیگران را جاهل قلمداد و آنان را با رفتار یا حرفی تحقیر کند، مدرک تحصیلی‌اش را به رخ دیگران بکشد و دیگران را پست و کوچک شمرده و با کنایه و طعنه محققان دیگر را خوار شمارد.^{۳۶} فرد متواضع و شکسته نفس خود را برتر و بالاتر از دیگران نمی‌انگارد.^{۳۷} علامه (ره) در مجله «مکتب تشیع»^{۳۸} و «مکتب اسلام» مقاله می‌نوشت. با اینکه مؤسس این مجلات همه از شاگردان علامه (ره) بودند، اما برای آشنایی نسل

۳۳. ر.ک: رضا، استادی، ۱۳۸۵: ۲۲۷-۲۲۶

۳۴. همان: ۲۲۷

۳۵. ر.ک: مهدی زاده، ۱۳۸۵: ۳۲

۳۶. ر.ک: خالقی، ۱۳۹۰: ۴۷

۳۷. ر.ک: نراقی، ۱۳۷۰، ج: ۱، ۴۳۷

۳۸. مکتب تشیع: مجله ای بود که مرحوم آیت الله رفسنجانی و شهید باهنر و ... آن را به راه انداخته و اداره می‌کردند. ر.ک:

استادی، ۱۳۸۵: ۲۲۴

جوان با اسلام، علامه (ره) تکبر نمی‌کرد و متواضعانه در آن مجلات مقاله می‌نوشت. مقالات علامه(ره) در این مجلات موجود است.^{۳۹} همچنین ایشان با پرفسور هانری کربن در تهران مباحثاتی داشت و هر پانزده روز یکبار به تهران می‌رفت. با اتوبوس رفت و آمدشان انجام می‌شد. در حالی که ایشان شخصیت جهانی داشت. ایشان واقعا متواضع بود.^{۴۰} هرگز به خود نمی‌بالید و از خود تمجید نمی‌کرد. عالی‌ترین مطالب علمی را که گاهی از ابتکارات فکری خویش بود، با کمال سادگی در اختیار علاقمندان قرار می‌داد، بدون اینکه خودستایی کند.^{۴۱} نمونه‌ای از تواضع ایشان این است که استاد ابراهیم امینی نقل می‌کنند که گاهی که به عنوان استاد مورد خطاب قرار می‌گرفت، می‌فرمود: « این تعبیر را دوست ندارم، ما اینجا گرد آمده‌ایم تا با تعاون و همفکری، حقایق و معارف اسلام را دریابیم.»^{۴۲} آیت‌الله مصباح می‌گوید: حتی یک بار هم به یاد ندارم که ایشان فرموده باشند که من فلان مسئله را حل کردم و دیگران از حلش عاجز بودند، ایشان وقتی می‌خواستند اشکال قطعی بر موضوعی نمایند، خیلی آرام مطرح می‌کرد و این از روح تواضع ایشان سرچشمه می‌گرفت، بنابراین در کتب ایشان نیز شاید نتوان جایی را یافت که صریحا اعتراض کرده باشند، بلکه با مقایسه مطالب آثار ایشان با سایر منابع، متوجه اختلاف نظر ایشان با دیگران می‌گردیم.^{۴۳}

۶. ترویج علم و نویسندگی و پاسخگویی به نیازهای روز

محقق باید به روشن‌سازی حقایق بپردازد. درد جامعه را بفهمد و پاسخگویی نیازهای فطری و فکری مردم باشد. در سال ۱۳۳۵ که حملات و تبلیغات مادیگری و نویسندگان غیرمتعهد در ایران افزایش یافته بود و هیچ مقاله دینی و نشریه علمی در ایران وجود نداشت که پاسخگویی احتیاجات

۳۹. ر.ک: استادی، ۱۳۸۵: ۲۲۴

۴۰. همان: ۲۲۳

۴۱. ر.ک: مختاری، ۱۳۷۵: ۲۹۸؛ شمس، ۱۳۸۷: ۲۶۰

۴۲. ر.ک: لقماتی، ۱۳۷۴: ۵۹، به نقل از یادنامه: ۱۲۴-۱۲۲

۴۳. ر.ک: شمس، ۱۳۸۷: ۲۶۲-۲۶۱، به نقل از آینه عرفان، ص ۱۴، مندرج در «جرعه‌های جانبخش» ۳۶۶

روز باشد، علامه (ره) در همان سال انجمنی متشکل از فضلالی آن عصر حوزه به وجود آورد. اعضای این انجمن را شخصیت‌هایی مانند مطهری، امام موسی صدر، قدوسی، ابراهیم امینی و ... تشکیل می‌دادند. علامه (ره) موضوعاتی را طرح می‌کردند. استاد مطهری و قدوسی با همکاری یکدیگر مقالاتی در باره زندگی اجتماعی مورچگان و پرندگان تنظیم می‌کردند. امام موسی صدر با همکاری یکی از اعضای جلسه، مقاله‌ای در مورد صبر و استقامت از نظر قرآن تنظیم نمود که آن روز دست‌آویز گروهک‌های چپی بود. قسمتی از این مقالات در نشریه جامعه تعلیمات اسلامی چاپ شد و از اینجا نقطه عطفی در زندگی فضلالی حوزه و آشنایی با قلمرو مطبوعات فارسی پدید آمد.^{۴۴} همچنین آیه الله مصباح می‌فرماید: «مرحوم علامه طباطبایی، در سن شصت سالگی می‌فرمود: «اگر ممکن بود که من چند ماه درسم را هم تعطیل کنم و زبان بخوانم، خیلی خوب بود!» بی‌شک، امروزه، زبان خواندن برای محقق ضروری است.» (تهرانی، ۱۳۸۱: ۹۳، به نقل از «در محضر بزرگان»: ۱۶). علامه (ره) فردی موقعیت‌شناس و مدبر بود. بعد از رحلت آیت الله بروجردی جلسات فلسفی علامه (ره) چند شبی به جلسات در مورد حکومت اسلامی تبدیل شد. لذا ایشان مقالاتی پیرامون حکومت اسلامی نوشت و در مجموعه مرجعیت و روحانیت چاپ شد. در آن مقاله متذکر شد که حکومت اسلامی سیاستی توانا دارد. در آن موقع مسئله ولایت فقیه و حکومت اسلامی مطرح بود. علامه (ره) در آن زمان که آیت الله بروجردی رحلت کرد و یک خلأ و اختلافی در آن ایام بود، حکومت الهی را تبیین می‌نمودند.^{۴۵} ایشان قطعاً با این کارها می‌خواست پاسخگوی نیازهای جامعه باشد. این عالم وارسته، باذل علم برای همه سطح و پاسخگو به عموم و براساس نیاز آنها بود. ایشان در بذل دانش حریص بود. جواب همه سئوالان را به اندازه مراتب درکشان می‌داد، مطالب علمی را ساده و روان بیان می‌کرد و از عبارت‌پردازی خودداری می‌کرد.^{۴۶} ایشان به مقتضای حدیث نبوی زیر عمل می‌فرمود که: اَنَا مَعَاشِرَ الْاَنْبِيَاءِ اَمْرًا اَنْ نُكَلِّمَ

۴۴. ر.ک: شمس، ۱۳۸۷: ۲۵۳-۲۵۱

۴۵. ر.ک: فانی تبریزی، ۱۳۹۳: ۲۰۳-۲۰۲، به نقل از یادها و یادگارها، ص ۷۳ نقل از جوادی آملی

۴۶. ر.ک: شمس، ۱۳۸۷: ۲۵۶

الناس علی قدر عقولهم^{۴۷} ایشان گاه معارف دقیق را در قالب الفاظ و کنایات و حتی داستان و شعر در اختیار مخاطبان قرار می‌داد. و اگر فردی سطح علمی اش بالاتر بود و استعداد بیشتری داشت، همان مطلب را در سطوح عالی تری بیان می‌کرد. ایشان حتی با افراد عادی نیز به قدر فهمشان سخن می‌گفت؛ برای آنان هم جلساتی داشت و نیز با فضلا و علما و شاگردان متعدد خویش و حتی پرفسور کربن فرانسوی در حد سطحشان بحث و درس داشت. وی از یک طرف عالیترین مطالب را در تفسیر می‌نوشتند و از طرفی نیز معارف دین را در سطح پایین حتی در حد دانش آموزان مدارس می‌نوشت.^{۴۸} کسی نبود که از این دریای بیکران علوم بی‌بهره بماند و هرکس می‌توانست به وسع خویش از محضر ایشان بهره گیرد. علامه (ره) کتاب آموزش دین را برای دانش آموزان با قلمی روان نوشتند.^{۴۹} علامه طباطبائی (ره) فرمود: «هنگامی که به قم آمدم مطالعه‌ای در برنامه درسی حوزه کردم و آن را با نیازهای جامعه اسلامی سنجیدم. کمبودهایی در آن یافتم و وظیفه خود را تلاش برای رفع آنها دانستم. مهمترین کمبودهایی که در برنامه حوزه وجود داشت در زمینه تفسیر قرآن و بحثهای عقلی بود. از این رو، درس تفسیر و فلسفه را شروع کردم. با اینکه در آن زمان تفسیر قرآن، علمی که نیازمند به تحقیق و تدقیق باشد تلقی نمی‌شد و پرداختن به آن شایسته کسانی که قدرت تحقیق در زمینه‌های فقه و اصول را داشته باشند، به حساب نمی‌آمد بلکه تدریس تفسیر نشانه کمی معلومات به حساب می‌آمد! در عین حال این را برای خودم عذر مقبولی در برابر خدا ندانستم و آن را ادامه دادم تا به نوشتن تفسیر «المیزان» انجامید.» (ر.ک: لقمانی، ۱۳۷۴: ۳۶-۳۷؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۶۱: ۱۴۱).

۴۷. مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۷۴، ۱۴۲؛ کلینی، ۱۳۶۵: ج ۱: ۲۳

۴۸. ر.ک: شمس، ۱۳۸۷: ۲۵۸-۲۵۷؛ مختاری، ۱۳۷۵: ۲۹۹

۴۹. لقمانی، ۱۳۷۴: ۴۹-۵۰

۷. اجتناب از سرقت محتوایی یا انتحال

رکن اساسی اخلاق پژوهشگری، امانتداری در پژوهش است. اگر محقق اطلاعاتش را از مأخذ دیگری به دست آورده است، برای احترام به زحمات دیگران باید به ذکر مأخذ اطلاعاتش بپردازد. در دیگر علوم اگر کشفی یا ساخته ای شود به ثبت می‌رسد و کسی نمی‌تواند ادعایی در آن زمینه نماید اما در علوم انسانی نتایج پژوهش اگر به صورت مقاله و کتاب چاپ نشود، جایی ثبت نمی‌شود و کسی از آن باخبر نمی‌شود. از این رو، رعایت صداقت و امانتداری در علوم انسانی مهم‌تر است و اخلاق در علوم انسانی نمود بیشتری دارد.^{۵۰} «انتحال»: خود را به قبیله‌ای یا به مذهبی منسوب ساختن. شعر یا سخن دیگری را به خود بستن.^{۵۱} انتحال عملی است که باعث رسوایی و بی‌اعتباری افرادی می‌شود که به این کار دست می‌زنند. «خانم آنت شوان» وزیر آموزش آلمان... به انتحال در رساله دکتری خود متهم... و ناگزیر به استعفا از منصب خود شد... و دانشگاه مدرک دکتری او را پس گرفت.^{۵۲} بنا به فرمایش علی(ع) آفت نقل و گزارش دادن، دروغ نقل کردن است. «أفة النقل كذب الرواية»^{۵۳} «انتحال هنگامی رخ می‌دهد که کسی مطلبی را از منبع یا منابعی معین بدون استناد و ارجاع مناسب برگیرد؛ چه در این کار قصد فریب باشد و چه نباشد. و انتحال به هر دلیلی که صورت گیرد، خطاست و نیازمند تعقیب و پیگیری و رسوا کردن سارقان است.»^{۵۴} انتحال تصرف نامقبول در دارایی معنوی دیگران است و از این لحاظ فرقی بین سرقت اموال مادی و اموال معنوی وجود ندارد. استناد درست، نوعی ادای امانت است. «ان الله يامرکم ان تودوا الامانات الی اهلها»^{۵۵} دانشمندان، در جامعه امانتدارانی هستند که موظفند حقایق را کتمان نکنند. وجود انسان و تمام نیروهایی که خدا به او داده، امانت الهی‌اند و انسان موظف است

۵۰. ر.ک: خالقی، ۱۳۹۰: ۴۵

۵۱. حسینی دشتی، ۱۳۸۵: ۹۳۳

۵۲. اسلامی، ۱۳۹۳: ۱۸

۵۳. تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۱۹؛ محمدی ری شهری، ۱۳۸۹، ج ۱: ۴۹۹

۵۴. اسلامی، ۱۳۹۳: ۱۹

۵۵. سوره نسا: ۵۸

در حفظ آنها بکوشد.^{۵۶} خالقی می‌گوید: هنگام آوردن نقل قول مستقیم یا غیرمستقیم بهتر است در ابتدا نام نویسنده ذکر شود به این کارارجاع «پرقوت» گویند مثلاً گفته شود، «به گفته محمد معین» و بعد نقل قول مستقیم یا غیرمستقیم آورده شود.^{۵۷} توصیه شده که هر حدیثی بر زبان آورید، به کسی که آن را برایتان گفته است، نسبت دهید. اگر حق باشد که به سود شماست و اگر دروغ باشد، برعهده اوست. عن ابی عبدالله (ع) قال قال امیرالمومنین (ع): «اذا حَدَّثْتُمْ بِحَدِيثٍ فَاسْنِدُوهُ اِلَى الَّذِي حَدَّثَكُمْ فَاِنْ كَانَ حَقًّا لَكُمْ وَ اِنْ كَانَ كَذْبًا فَعَلَيْهِ»^{۵۸} و امام صادق (ع) یارانش را از «دروغ مفترع» پرهیز داد. «ایاکم و الکذب المفترع قیل له و ما الکذب المفترع قال ان یحدثک الرجل بالحدیث فترکه و ترویة عن الذی حدثک عنه»^{۵۹} آنان پرسیدند: دروغ مفترع چیست؟ حضرت پاسخ دادند: «اینکه کسی حدیثی برایت نقل کند، پس او را واگذاری و آن را از کسی نقل کنی که وی از او نقل کرده است.» از این رو، صحیح ارجاع ندادن و نقل نادرست مطلب مذموم شمرده شده است و محققان تنها باید به منابعی استناد کنند که از آن‌ها استفاده کردند، مصادیقی از امانتداری علامه (ره) در ارجاع دهی به منابع و رعایت این اخلاق حرفه‌ای از این قرار است که: اگر علامه (ره) مطالب به ذهن می‌آمد و فکر می‌کرد که در گفتگو با یکی از شاگردانشان آن را بدست آورده، می‌گفت، این نکته را فلان شخص مطرح نمودند. مثلاً وقتی حجه الاسلام ایزدی در خدمت ایشان بود و یکی از فضلا از ایشان راجع به حدیثی سؤال کرد، علامه جوابی داد ولی نامبرده عرض کرد شاید حدیث مزبور معنای دیگری داشته باشد و آن معنا را برای ایشان تشریح نمود، استاد، سخن این شاگرد را به خاطر اینکه منطقی بود پسندید، و به آن فرد فاضل فرمود نظر ایشان هم این است و اینگونه از شاگردان خود اظهار قدردانی می‌نمود و اعتماد به نفس آنان را تقویت می‌کرد تا بتوانند در جلسات علمی و آموزشی تروشات فکری خود را ابراز کنند و استمرار این وضع قدرت تفکر و شجاعت علمی و فرهنگی آنان را افزایش دهد.^{۶۰} علامه (ره) در سامان دادن المیزان جز قرآن که منبع وی در تفسیر بود، به بیش از صد و هشتاد منبع تفسیری، روایی،

۵۶. ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۴۳۹، زیر آیه ۵۸ سوره نساء

۵۷. ر.ک: خالقی، ۱۳۹۰: ۱۷۵

۵۸. ر.ک: کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۵۲

۵۹. اسلامی، ۱۳۹۳: ۲۱؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۵۲؛ سیدحسن اسلامی، ۱۳۹۱: ۱۳۹۱

۶۰. ر.ک: شمس، ۱۳۸۷: ۲۶۱-۲۶۰

لغوی، تاریخی، علمی، اجتماعی، فرهنگی و ... مراجعه کرد که برخی از این منابع دارای مجلدات متعددی است. (ر.ک: همان: ۴۸۵-۴۸۴، به نقل از مجله حوزه شماره ۲۱، ۱۳۶۶). حتی از کتب مقدس مذاهب دیگر از قبیل انجیل، اوستا، تورات، السوعی (از کتب ارتدکس روم) و اعمال الرسل و رسائل پولس جهت مقایسه آنها با قران کریم و نقد آنها استفاده کرده است.^{۶۱}

۸. انصاف علمی، نقادی و نقدپذیری

محقق باید به دنبال حق باشد و منصفانه دیدگاههای مخالف و موافق را نقل و نقد کند. نقاط قوت و ضعف هر مطلب را بیان و بعد دیدگاه و نظریه‌ای را بپذیرد که منطقی و مستدل باشد. پس باید از تعصبات قومی، مذهبی و تقلید در تحقیق بپرهیزد تا اثرش ارزشمند باشد. امام علی (ع) فرمودند: «الانصاف شیمه الاشراف؛ انصاف، خلق و خوی و خصلت انسانهای شریف است»^{۶۲} پژوهشگر باید روحیه نقادانه داشته باشد، به هر چیز علامت سؤال بگذارد و مشکلات را شناخته حل کند و باید محقق نقدپذیر باشد؛ دلایل منطقی و اشکالات مخالفان خود را با شرح صدر بررسی کند و اگر صحیح بود، بپذیرد. علی (ع) فرمودند: «وقتی مطلبی می‌شنوید آن را تحلیل کنید و جوانبش را بررسی نمایید، نه این که فقط شنونده باشید و به ذهن بسپارید. افرادی که مطالب را حفظ می‌کنند، زیادند اما افرادی که مطالب را تحلیل می‌کنند، کم‌اند»^{۶۳} «اعقلوا الخبر اذا سمعتموه عقل رعاية لا عقل رواية فان رواة العلم كثير و رعاية قليل». علامه (ره) در بیان آرای مخالفان کمال انصاف و امانت را رعایت می‌کرد و نظرات آنان را همانطور که آنان در نظر داشتند مطرح و بعد نقد و بررسی می‌کرد حتی اگر آراء مربوط به مخالفان رسمی دین مثل مارکسیستها بود. چنانکه بعد از انتشار اولین جز از کتاب فلسفه و روش رئالیسم، مارکسیستهای ایران جلساتی تشکیل دادند و تصدیق کردند که مؤلف در نقل مطالب آنان کمال امانت را رعایت نموده و کوچکترین تحریفی رخ نداده است.^{۶۴} علامه طباطبایی (ره) بارهای بار به اندیشه‌های شیخ محمد عبده و

۶۱. ر.ک: همان، ۴۸۵-۴۸۴

۶۲. تمیمی آمدی، حدیث ۹۰۹۵، ۱۳۶۶: ۳۹۴؛ محمدی ری شهری، ۱۳۸۹، ج ۱۲: ۲۲۴

۶۳. مجلسی، ۱۴۰۴ ه.ق، ج ۲: ۱۶۱

۶۴. ر.ک: موسسه بوستان کتاب قم، ۱۳۸۱: ۲۲۳

تفسیرهای وی از آیات توجه می‌کند و غالباً به نقد و رد آنها می‌پردازد. وی در مقابل تفسیرنگاری علمی و غیب زدایی‌های آن با تمام قدرت می‌ایستد و از حریم قرآن دفاع می‌کند و راه را برای تفسیر به رأی مفسران سد می‌کند. علامه طباطبائی (ره) در نگارش المیزان به بیش از ۱۸۰ منبع تفسیری، روایی، لغوی، تاریخی، علمی، اجتماعی و فرهنگی و ... که برخی از این منابع مجلدات متعددی دارند، مراجعه کرده است. وی هرگز با ساده انگاری و تسامح و تساهل از آنها نگذشته است. علامه (ره) در تمام آنچه نقل کرده، از روایات، اقوال و ... شیوه نقد و تحلیل را پیشه نموده و سره را از ناسره جدا کرده است. (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۵۲).

۹. پشتکار، خستگی ناپذیری، صبر و استقامت

عجله و شتابزدگی، اخلاق پژوهشی ناشایستی است که اگر محقق مبتلا به این امر شود در پژوهش موفق نمی‌شود.^{۶۵} و دچار خطا و مشکل می‌شود.^{۶۶} صبر لازمه پژوهش است. پژوهش فرآیندی زمانبر، طولانی و گاه پر زحمت است. گاه پژوهشی سالها طول می‌کشد و حتی پس از مرگ محقق با ادامه دادن پژوهشهای ناتمام وی توسط محققان دیگر، کارش به ثمر می‌رسد.^{۶۷} محقق نباید از طولانی شدن فرایند انجام تحقیق، ناامید شود. صبر، حوصله، استقامت، مداومت و مقاومت موفقیت محقق را صدچندان می‌کند.^{۶۸} گاه محقق در مسئله‌یابی یا فهم موضوع و یافتن منابع کافی و ... دچار مشکل است یا زحماتش نادیده گرفته می‌شود. لیکن او باید فعالیت‌های علمی‌اش را با صبر و همت والا ادامه دهد.^{۶۹} صبر و شکیبایی بنیاد کار است.^{۷۰}؛ و در اثر صبر پیروزی حاصل می‌شود.^{۷۱} محقق باید در راه رسیدن به آرمانهای خویش از لذات و آسایشهای بسیار، دل‌کنده و از ناملايمات و مشقت کار نهراسد. او باید سرسخت و پایدار باشد. از این روست

۶۵. ر.ک: نکونام، ۱۳۹۰: ۳۷

۶۶. ر.ک: تمیمی آمدی، حدیث ۵۷۷۷، ج ۱: ۲۶۷، «مَنْ عَجَلَ زَلَّ»

۶۷. ر.ک: نرگس خالقی، ۱۳۹۰: ۵۱

۶۸. ر.ک: صبری، ۱۳۸۲: ۶۲

۶۹. ر.ک: اسلام پور کریمی، ۱۳۹۳: ۲۷

۷۰. ر.ک: تمیمی آمدی، حدیث ۷۸، ۱۳۸۰: ۲۴، «الصَّبْرُ مَلَائِكَةٌ»

۷۱. ر.ک: همان، حدیث ۲۲۴۰: ۱۴۹؛ «اصْبِرْ تَنْظُرًا؛ صَبْرٌ كُنْ بِمِثْرِ شَوْي»

که نویسندگی عشق و شور می خواهد. عشق به کار و هدف و نوشتن در موضوعی که می نویسد.^{۷۲} محققى که تعلیم و تعلم را عبادت می داند و در پی حقیقت یابی است، باید با همت والا و به دور از تنبلی و سستی گام بردارد. آفت و دشمن موفقیت تنبلی است.^{۷۳} علی () :»

« عن ابی عبدالله قال: » «گاه نیافتن منبع پژوهشی، زمانبر بودن کار و مشکلات متعدد محقق را کلافه می کند لیکن پشتکار و استقامت لازمه پژوهشگری است. علامه طباطبایی (ره) مدت بیست سال قرآن کریم را به صورت تفسیر قرآن به قرآن تفسیر فرمود.^{۷۴} و با پشتکار و استقامت وصف ناپذیر این کار را به سرانجام رساند. دختر مرحوم علامه طباطبایی (ره)، خانم نجمه سادات طباطبایی، درخصوص پشتکار و جدیت علامه در جستجوی حقیقت و رسیدن به آن فرمود: گاهی با آقای قدوسی در مورد علت موفقیت و رمز ترقی پدرم صحبت می کردیم ایشان می فرمود: استعداد عامل مهمی برای ترقی آدمی است. اما پشتکار هم بسیار موثر است. علامه پشتکار عجیبی داشتند. چندین سال برای تفسیر زحمت کشیدند، اصلا احساس خستگی نکرد، شب و روز نمی شناختند. از صبح زود تا ساعت دوازده مشغول مطالعه، تحقیق و تالیف بودند و بعد از نماز و صرف غذا و استراحت مختصر تا مغرب کار و فعالیت داشت. شرایط زندگی علامه بسیار مشکل بود و ایشان مشکلات زیادی داشت، در پنج سالگی مادر و در نه سالگی پدر را از دست داد اما با انتخاب هدف و با پشتکار کارهای بزرگ برای انسان سهل و ساده می شود. گرما، سرما، خستگی و ناراحتی برای ایشان مفهومی نداشت. چون ایشان در کار بسیار جدی و با پشتکار قوی بود. علامه (ره) می فرمود: «وقتی در نجف بودم یک معلم ریاضی پیدا کردم که فقط یک بعد از ظهر وقت تدریس داشت. من در بعد از ظهر طاقت فرسای نجف از این سر شهر به آن طرف شهر می رفتم؛ چون به آن جا می رسیدم، آنقدر لباسهایم از عرق خیس شده بود که همان طور در حوض آب می رفتم و بعد از مدتی نزد استاد، ریاضی می خواندم.»^{۷۶} علامه (ره) درباره روزگار تحصیل خویش چنین فرمودند: «در اوایل تحصیل که به نحو و صرف اشتغال داشتم، علاقه زیادی

۷۲. ر.ک: فاضل، ۱۳۹۱: ۳۸

۷۳. ر.ک: تمیمی آمدی، حدیث ۱۰۶۱۷، ۱۳۶۶: ۴۶۳

۷۴. کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵: ۸۵

۷۵. ر.ک: فانی تبریزی، ۱۳۹۰: ۴۴۶

۷۶. احمد لقمانی، ۱۳۷۴: ۷۳-۷۲، به نقل از یادها و یادگارها، ص ۵۴-۵۳ (با تغییر و تلخیص)

به ادامه تحصیل نداشتم، از این رو، هر چه می‌خواندم، نمی‌فهمیدم. پس از آن، یکباره عنایت خدایی دامن‌گیرم شد؛ عوضم کرد. در خود یک نوع شیفتگی و بی‌تابی نسبت به تحصیل کمال حس نمودم. به طوری که از همان روز تا پایان تحصیل که تقریباً هجده سال طول کشید، هرگز نسبت به تعلیم و تفکر، احساس خستگی و دل‌سردی نکردم و زشت و زیبای جهان را فراموش کردم. در خورد و خواب و لوازم دیگر زندگی، به حداقل ضروری قناعت نموده، باقی را به مطالعه می‌پرداختم. بسیار می‌شد(بویژه در بهار و تابستان) که شب را تا طلوع آفتاب با مطالعه می‌گذراندم و همیشه درس فردا شب را پیش مطالعه می‌کردم. اگر اشکالی پیش می‌آمد با هر خودکشی بود، حل می‌نمودم. وقتی که به درس حضور می‌یافتم از آنچه استاد می‌گفت قبلاً روشن بودم، هرگز اشکال و اشتباه درس را پیش استاد نبردم.^{۷۷} علامه (ره) در راستای حقیقت‌جویی تلاشها و زحمات بسیاری متحمل شد. وی در مورد نگارش میزان فرمود: «من اول در روایات بحار بسیار فحص و تتبع کردم که از این راه کاری کرده باشیم و درباره روایات، تألیفی در موضوعی خاص داشته باشیم، بعد در تلفیق آیات و روایات زحمت بسیار کشیده‌ایم تا اینکه به فکر افتادیم بر قرآن تفسیری بنویسیم ولی چنین می‌پنداشتم که چون قرآن بحر بی‌پایان است اگر به همه آن پردازیم مبدا توفیق نیابیم لذا آنچه از قرآن در اسماء و صفات الهی و آیات و از این گونه امور بود جدا کردیم که هفت رساله مستقل در هفت موضوع تألیف کرده‌ام، تا اینکه به تفسیر قرآن اشتغال ورزیدیم که اکنون چهارده جلد آن طبع و منتشر شد.» البته استاد توفیق یافت تفسیر میزان را در بیست جلد در مدت بیست سال به اتمام رسانید. و در آخر تفسیر تاریخ را مرقوم فرمود: «تم الكتاب و الحمد لله و اتفق الفراغ من تألیفه فی لیلۃ القدر المبارکة الثالثة و العشرین من لیالی شهر رمضان».^{۷۸} من شهور سنة اثنتین و تسعین و ثلاث مائه بعد الالف من الهجرة و الحمد لله علی الدوام، و الصلاة علی سیدنا محمد و آله و السلام».^{۷۹}

۷۷. اردشیری لاجیمی، ۱۳۸۸: ۹

۷۸. فانی تبریزی، ۱۳۹۰: ۴۲۵

۷۹. طباطبائی، ۱۳۸۴، ج ۲۰: ۵۵۷

۱۰. اهمیت به وقت و عمر خود و دیگران

محقق باید برای انجام پژوهش زمانبندی و برنامه‌ریزی کرده و با پشتکار طبق زمانبندی پیش رود. علی (ع) فرمودند: «الفرصة تمر مر السحاب، فانتهزوا فرص الخیر؛... فرصتها چون ابرها می‌گذرند، پس فرصتهای نیک را غنیمت شمارید.»^{۸۰} علامه (ره) تمام عمر پربرکتش را برای نوشتن کتب و مقالات علمی صرف کرد. وی المیزان را می‌نوشت که همان را برای چاپ می‌فرستاد. ایشان مطالب را بدون نقطه می‌نوشتند و وقتی صفحه‌ای تمام می‌شد، شروع به گذاشتن نقطه می‌کردند و در مورد علت این کار می‌فرمودند: من حساب کرده‌ام، اگر این طور بنویسم در هر ده صفحه یک صفحه در زمان صرفه جویی کرده‌ام.^{۸۱} آیه الله جعفر سبحانی، از شاگردان علامه (ره) دقت نظر و استفاده از لحظات و دقایق استاد را توضیح می‌دهد: گاهی علامه (ره) هنگام تحقیق مطلبی، خود را مدتها در اتاقی محصور می‌ساخت و با کسی جز برای کارهای ضروری تماس نمی‌گرفت. لحظات عمر را سرمایه انسان می‌شمرد. ایشان فصلی از سال را در یکی از روستاهای نزدیک تبریز (شادگان) به سرمی‌برد. زمینه سازی تفسیر المیزان، مطالعه یک دوره بحارالانوار و بسیاری از کارهای تحقیقی ایشان در مورد حدیث و مسائل مربوط به معارف در این فرصت حاصل شد.^{۸۲}

۱۱. جامعیت و علم سرشار پژوهشگر

محقق باید پیرامون موضوعی که درباره‌اش پژوهش می‌کند، متبحر بوده و تخصص لازم را داشته باشد. اگر محقق بنیه علمی قوی نداشته باشد و تخصص لازم را در علوم لازم کسب نکند، نوشته‌هایش بی‌ثمر خواهد بود. او باید از همه روشهای متنوع و گسترده آگاهی داشته باشد و با مهارت‌های پژوهش‌آشنایی کامل داشته باشد. باید آگاه به علوم زمانش باشد و اقصائات روز را بداند. امام صادق (ع) فرمودند: فردی که آگاه به زمان خویش باشد مورد تهاجم اشتباهات واقع

۸۰. دشتی، ۱۳۷۹، حکمت ۲۱: ۶۲۷-۶۲۶

۸۱. ر.ک: عباس داداش زاده، ۱۳۹۳: ۱۲۱

۸۲. ر.ک: لقمانی، ۱۳۷۴: ۹۰-۸۹، به نقل از یادها و یادگارها: ۷۹ (با اندکی تغییر)

نمی‌شود.^{۸۳} علامه (ره) خط نستعلیق و شکسته اش از بهترین و شیواترین بود. در علوم غریبه (در رمل و جفر) وارد بودند ولی به آن عمل نمی‌کرد. در علم اعداد و حساب جمل، ابجد و طرق مختلف آن مهارتی عجیب داشت. در هیات قدیم استاد بود و براحتی استخراج تقویم می‌کرد. علوم ریاضی را در نجف نزد آقا سیدابوالقاسم خوانساری که از ریاضیدانان مشهور عصر خود بود، فرا گرفته بود. ایشان در ادبیات عرب و معانی و بیان و بدیع و فقه و اصول استاد بود. دوره‌هایی از فقه و اصول را نزد مرحوم آیه الله نائینی و مرحوم آیه الله کمپانی خوانده بود و از فقه آیه الله اصفهانی بهره‌مند شد و مدت این دوره‌هایی از درس، مجموعاً به ده سال کشیده شد. استاد علامه در فلسفه، مرحوم آقا سیدحسین بادکوبه‌ای بود. مرحوم بادکوبه‌ای به علامه (ره) عنایتی خاص داشت و برای تقویت برهان و استدلال، ایشان را امر کرده است که علوم ریاضی را دنبال کند. معارف الهیه و اخلاق و فقه الحدیث را نزد حاج میرزا علی آقا قاضی (ره) آموخته‌اند و در سیر و سلوک و مجاهدات نفسانیه و ریاضیات شرعیه تحت نظر و تعلیم و تربیت آن استاد کامل بود.^{۸۴}

«علامه در علوم مختلف از قبیل؛ ادبیات عرب، معانی و بیان و بدیع، فقه و اصول و فلسفه، معارف الهیه و اخلاق و فقه الحدیث، اعداد و حساب و جمل ابجد و جبر و مقابله و هندسه فضائی و مسطحه و حساب استدلالی، و هیات قدیم و استخراج تقویم و ... استاد بودند.»^{۸۵} علامه (ره) «حکیم الهی و فقیه پرهیزگار و مفسر قرآن و اسلام شناس بزرگ بودند. ... او مجموعه‌ای از معارف و فرهنگ اسلام بود؛ فقیه بود؛ حکیم بود؛ آگاه از اندوخته‌های فلسفی شرق و غرب بود؛ مفسر قرآن بود؛ از علوم اسلامی، یعنی علوم‌ی که از اسلام نشأت گرفته یا از آن تغذیه کرده است، مطلع بود؛ از اصول، از کلام، ادبیات، از نجوم و هیئت و ریاضیات و از برخی علوم بی‌نام و نشان دیگر».^{۸۶}

۸۳ حرانی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱: ۳۵۶؛ «العالم بزمانه لاتهجم علیه اللوایس»

۸۴ ر.ک: فانی تبریزی، ۱۳۹۳: ۲۱۶-۲۱۵، به نقل از آن مرد آسمانی: ۲۵

۸۵ مرادعلی، شمس، سیری در سیره علمی و عملی علامه طباطبائی (ره) از نگاه فرزندگان، ص ۶۷

۸۶ تهرانی، ۱۳۸۱: ۸ و ۹

۱۲. برهانی و مستدل نویسی

محقق باید مستدل، برهانی و متقن بنویسد و بدون پایه و دلیل مطلبی بیان نکند. علامه (ره) از نظر عقاید در صدد بود عقائد معروف شیعه را با دلیل و برهان و آیه مستدل کند و خیلی منطقی، متین و جالب مطرح نماید.^{۸۷} سعی بلیغ علامه (ره) در تدوین بدایة الحکمه، نهایت الحکمه و ... این بود که هر مسئله بر پایه برهانی خود استوار شود.^{۸۸} وی پس از پژوهش و گردآوری اطلاعات، آنها را با معیارهای قرآنی، روایی، براهین عقلی و منطقی ارزیابی می کرد و از این راه، افکار صحیح را از دیگر افکار تشخیص می داد. چون عقل برهانی و نقل معتبر در سایه علوم و حیانی معصومان علیهم السلام ترازوی سنجش مکاتبند.^{۸۹} «چیزی را جز با برهان بیان نمی فرمود و آنچه را مبرهن نبود، نمی پذیرفت و این همان ادب قرآنی است. قرآن بشر را به گونه ای تربیت می کند که در نفی و اثبات، با برهان همراه باشد. علامه پس از پژوهش و گردآوری اطلاعات، آنها را با معیارهای قرآن و روایی از یک سو و براهین عقلی و منطقی از سوی دیگر ارزیابی می کرد و از این راه، افکار صحیح و اندیشه های صائب را از دیگر افکار، به خوبی تشخیص می داد، زیرا عقل برهانی و ثقل معتبر در ظل علوم و حیانی معصومان علیهم السلام ترازوی سنجش مکاتب است.»^{۹۰} علامه (ره)، مفسر خیر است که در صدد دفاع از تهاجمات فکری و اعتقادی است، تهاجماتی که حقانیت و اعتبار آموزه های قرآنی را هدف گرفته است، تنها به ارائه آموزه های قرآنی اکتفا نمی کند و طعن ها و هجوم های متوجه آنها را نادیده نمی گیرد و دفاعی خردپسند و منطقی از وحی ارائه می دهد.^{۹۱}

۸۷. ر.ک: رضا استادی، ۱۳۸۵: ۲۲۴

۸۸. ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۷۵

۸۹. ر.ک: همان: ۱۶۸

۹۰. همان: ۱۶۸-۱۶۷

۹۱. ر.ک: موسسه بوستان کتاب قم، ۱۳۸۱: ۱۴۳

۱۳. شجاعت و جرأت علمی

از بایسته‌های اخلاق پژوهشی، داشتن روحیه شجاعت و جسارت است. محقق نباید به دلیل ترس از بزرگی کار و مشکلات احتمالی و امکانات کم، از انجام کارهای بزرگ خودداری کند. از آنجایی که همگان نتایج حاصل از پژوهش را نمی‌پذیرند و مخالفانی وجود دارد، از این رو، محقق باید در مواجهه با موانع و مشکلات و تهدیدات، هنگام نوشتن یا ارائه نتایج تحقیق خویش جسور باشد. ممکن است هنگام ارائه یا چاپ گزارش تحقیق، یک گروه دینی، مذهبی، فرهنگی یا اجتماعی معترض و ناراضی از نتیجه تحقیق باشد و این تحقیق برای محقق تبعاتی داشته باشد.^{۹۲} در زمان علامه(ره) تدریس و تحقیق فلسفه مذموم بود. ولی علامه(ره) با شهادت خاص و احساس نیاز به ادامه این کار و با همه نامایمات و نابخردیهای کج اندیشان، تحقیق و تدریس فلسفه را ادامه داد و فلسفه را از انزوا رها ساخت و به صورت علمی رسمی در حوزه های علمیه درآورد. این نشانه پایداری و شجاعت ایشان است^{۹۳} و از دیگر نشانه‌های شهادت و شجاعت ایشان، گفتن «نمی‌دانم» است. وقتی که احیانا مطلبی را نمی‌دانستند. آیت الله جوادی آملی نیز در تأیید این مطالب فرمودند: علامه(ره) در اکثر مسئله‌ای از مسائل معارف و حکم قرانی، تحلیل شایسته داشتند ولی اگر احیانا مسئله‌ای بود که جوانبش را کاملاً بررسی نکرده بود، با کمال شهادت می‌فرمود: «نمی‌دانم».^{۹۴}

نتیجه گیری

علامه(ره)، محقق، مفسر و عالمی فرهیخته، حقیقت‌جو، مهذب، با اخلاص، متواضع، برهانی و ... بود که اخلاق حرفه‌ای در پژوهش را در حد اعطا رعایت می‌کرد. اثر حاضر کاربردی و از این جهت نو است که در ابتدا به بیش از ده اخلاق حرفه‌ای در پژوهش اشاره دارد و در ادامه به

۹۲. ر.ک: صبری، ۱۳۸۲: ۶۳

۹۳. ر.ک: مرادعلی، شمس، ۱۳۸۷: ۵۵۰، به نقل از یادنامه مفسر کبیر: ۱۲۷؛ از بیانات استاد ابراهیم امینی

۹۴. ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۴۲-۲۴۱

طور مستند به بیان شواهدی درخصوص رعایت این اخلاق در کارنامه علمی علامه (ره) می‌پردازد و در پاسخ به این سوال که علامه (ره) اخلاق حرفه‌ای در پژوهش را چگونه در سیره علمی خویش رعایت نمود، تدوین شده است. ایشان با نیتی الهی و خالص و علمی جامع و سرشار و بدور از انتحال و فخر فروشی تمام عمر پربرکتشان را برای نوشتن کتب و مقالات علمی صرف نمودند. از اخلاق شایسته پژوهشی که علامه (ره) رعایت کرد عبارتند از: دارا بودن نیت الهی، اجتناب از انتحال و پیش‌داری، انصاف علمی، رجوع به منابع معتبر و متعدد و ... که در متن مقاله به طور مبسوط به خلق پژوهش و نحوه رعایت این خلق توسط علامه اشاره شده است. هر چند آثاری به طور جداگانه در مورد اخلاق پژوهشی و سیره علمی و اخلاق علامه قلم‌فرسایی کردند لیکن در بررسی منابع متعدد توسط محقق، مورد مشابه این مقاله که به طور جامع به رعایت اخلاق حرفه‌ای پژوهی در سیره علامه بپردازد، یافت نشد.

منابع و مآخذ

قرآن کریم

- نهج البلاغه امام علی (ع). (۱۳۷۹). محمد دشتی. قم: انتشارات نسیم حیات.
- انیس، ابراهیم و دیگران. (۱۳۸۶). فرهنگ المعجم الوسیط - عربی - فارسی، محمد بندرریگی، ج ۱ و ۲. چ دوم. تهران، اسلامی.
- اردشیری لاجیمی، حسن. (۱۳۸۸). سیره علمی و عملی علامه سید محمد حسین طباطبایی (ره). بی‌جا: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، دفتر عقل.
- استادی، رضا. (۱۳۸۵). آشنایی با تفاسیر، به ضمیمه مساله عدم تحریف قران و چند بحث قرانی. قم: مولف.
- اسلام پور کریمی، حسن. (۱۳۹۳). خودآموز مقدمات پژوهش. چ دوم. تهران: سمت.

اسلامی، سید حسن. (۱۳۹۳). *مقاله «و ما ادريک ما السارق؟، سرشت و سويه های نمیر اخلاقی انتحال»*، کلیات (کتاب ماه). اطلاعات. ارتباطات و دانش شناسی (سال هفدهم)، شماره پنجم.

_____ . (۱۳۹۱). *نوشتن در جزایر پراکنده (جستارهایی در اخلاق پژوهش)*.

چاپ اول. قم: نورمطاف.

اسماعیلی یزدی، عباس. (۱۳۹۰). *فرهنگ اخلاق*. چ سوم. قم: دلیل ما.

تهرانی، سیدعلی. (۱۳۸۱). *ز مهر افروخته* (ناگفته‌هایی نغز، همراه کامل‌ترین مجموعه اشعار از: حضرت علامه سیدمحمدحسین طباطبائی). تهران: سروش با همکاری سازمان تبلیغات اسلامی آذربایجان شرقی.

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۳۶۶). *نورالحکم و دررالکلم*. یک جلدی. قم: انتشارات دفتر تبلیغات.

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۳۸۰). _____ . ترجمه: محمد علی

انصاری. قم: امام عصر (عج).

جمعی از نویسندگان. (۱۳۶۱). *یادنامه مفسر کبیر استاد علامه سیدمحمدحسین طباطبائی*، قم: انتشارات شفق.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸). *شمس الوحی تبریزی*. چ سوم. قم: اسراء.

حرانی، ابومحمدحسن بن علی بن شعبه (ابن شعبه). (۱۴۰۴ ق). *تحف العقول عن آل الرسول*، ۱ جلدی، قم: انتشارات جامعه مدرسین.

حزب جمهوری اسلامی، واحد تبلیغات. (۱۳۶۱). *یادنامه فیلسوف الهی علامه طباطبائی*. بی-

جا: نشریه ۴۷.

حسینی دشتی، سیدمصطفی. (۱۳۸۵). *معارف و معاریف*، دائرة المعارف جامع اسلامی. ج ۱.

- حیدری فر، مجید. (۱۳۹۲). **درسنامه پژوهش، تهیه و تنظیم: معاونت آموزش مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواران**. قم: مرکز نشر هاجر.
- خالقی، نرگس. (۱۳۹۰). **اخلاق پژوهش و نگارش**. چ اول. تهران: کتابدار.
- _____ . (۱۳۸۷). **اخلاق پژوهش در حوزه علوم اجتماعی**، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری. سال سوم. شماره‌های ۱ و ۲.
- داداش زاده، عباس. (۱۳۹۳). **سه علامه تبریزی: پژوهشی در زندگانی، آثار و اندیشه سه علامه تبریزی: علامه طباطبایی، علامه امینی، علامه جعفری**. چ دوم. تبریز: انتشارات منشور- تبریز.
- _____ . (۱۳۹۰). **دلدادگان توحید**. چ اول. تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- شیر، سید عبدالله. (۱۳۸۰). **اخلاق: ترجمه کتاب الاخلاق**. مترجم: محمدرضا جباران. چ ششم. قم: هجرت.
- شریفی، احمدحسین. (۱۳۹۴). **آیین زندگی (اخلاق کاربردی)**، چ ۱۴۱. قم: دفتر نشر معارف.
- شمس، مرادعلی. (۱۳۸۷). **سیری در سیره علمی و عملی علامه طباطبایی (ره) از نگاه فرزاتگان**. چ دوم، قم: اسوه.
- صبری، نورمحمد. (۱۳۸۲). **درآمدی بر روش تحقیق در حقوق**. چ اول. تهران: میزان.
- شیخ صدوق. (۱۳۶۲). **الامالی**. ۱ جلدی. بی‌جا: انتشارات کتابخانه اسلامیه.
- _____ . (۱۴۰۳ق). **کتاب الخصال**. ج ۱. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۸۴). **المیزان فی تفسیر القرآن**، ج ۲۰. الطبعة السابعة. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- _____ . (۱۳۹۶ق). **پورسپهای اسلامی**. به کوشش سیدهادی خسروشاهی. قم: مرکز انتشارات دارالتبلیغ اسلامی.
- _____ . (۱۳۸۸). **شیعه در اسلام**. به کوشش: سید هادی خسروشاهی. چ پنجم. قم: موسسه بوستان کتاب.

فاضل، احمد. (۱۳۹۱). *آیین نوشتار و آداب گفتار*. اصفهان: معاونت پژوهش دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.

_____ . (۱۳۹۰). *دلدادگان توحید*. چ اول. تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.

فتوحی، محمود. (۱۳۸۵). *آیین نگارش مقاله علمی پژوهشی*. تهران: سخن.

فرامرزی قراملکی، احد. (۱۳۸۷). *درآمدی بر اخلاق حرفه‌ای*. تهران: موسسه مطالعات بهره‌وری و منابع انسانی، انتشارات سرآمد.

کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۳۶۵). *الکافی*، ج ۱ و ۵. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

لقمانی، احمد. (۱۳۷۴). *علامه طباطبائی (میزان معرفت)*. چ اول. بی جا: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.

محدثی، جواد. (۱۳۹۰). *درسنامه اخلاق*، چ اول. قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی. محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۹). *میزان الحکمه با ترجمه فارسی*. ویرایش دوم. چ یازدهم. قم: دارالحديث.

مجلسی، محمدتقی. (۱۴۰۴ق). *بحار الانوار*. ج ۲. بیروت: موسسه الوفاء.

مختاری، رضا. (۱۳۷۵). *سیمای فرزاتگان*. چ نهم. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

معلوف، لویس. (۱۳۸۰). *المنجد فی اللغة*. چ دوم. تهران: اسلام.

معین، محمد. (۱۳۸۷). *فرهنگ فارسی معین*. ۱ جلدی. چ سوم. تهران: اشجع.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۷). *برگزیده تفسیر نمونه*. ج ۱. تحقیق: احمد علی بابائی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

موسسه بوستان کتاب قم. (۱۳۸۱). *موزیان وحی و خرد*. یادنامه علامه سیدمحمدحسین طباطبائی. چ اول. قم: بوستان کتاب.

مهدی زاده، حسین. (۱۳۸۵). *راهنمای پژوهش نامه نویسی*. چ اول. قم: مرکز نشر هاجر.

نراقی، ملا احمد. (۱۳۸۷). *معراج السعاده*. چ اول. تهران: انتشارات ولی عصر (عج).

- نراقی، مولی مهدی. (۱۳۷۰). *علم اخلاق اسلامی (ترجمه کتاب جامع السعادات)*. ج ۱. ترجمه: دکتر سیدجلال الدین مجتوی. بی جا: انتشارات حکمت.
- نکونام، جعفر. (۱۳۹۰). *روش تحقیق با تاکید بر علوم اسلامی*، ویژه دوره‌های تحصیلات تکمیلی. چ ششم. قم: دانشگاه قم.
- واسطی، شیخ عبدالحمید. (۱۳۸۲). *راهنمای تحقیق بر اساس نگرش اسلام به علم و هستی، (سطح مقدماتی)*، چ دوم، قم: موسسه انتشارات دارالعلم.